درآمدي بر جذّابيت در رسانه ديني

15 خرداد 1395

1. مباني فلسفي
	1. انسان
		1. تعريف انسان
			1. اصالت ماهيت
				1. حيوان ناطق
				2. مركّب از دو بُعد جسماني و روحاني
				3. مادي و مجرّد
			2. اصالت وجود
				1. رابطه اتحادي نفس و بدن
				2. حركت اشتدادي نفس
		2. محدوديت‌هاي فردي
			1. عمل انسان
			2. جنسيت
			3. تغذيه
			4. سن
	2. جامعه
		1. تعريف اجتماع
			1. اصالت جامعه در كنار اصالت فرد
			2. قبول تأثير اجتماع بر انسان
		2. محدوديت‌هاي اجتماعي
			1. وراثت
			2. محيط طبيعي و جغرافيايي
			3. محيط اجتماعي
			4. تاريخ و عوامل زماني
2. جذابيت در رسانه
	1. تعريف جذابيت
		1. Attractiveness
		2. گيرايي
		3. دلربايي
		4. جذب‌كننده
		5. دلپذير
		6. زيبا
		7. دوست‌داشتني
		8. خوشايندبودن
	2. رسانه جذّاب
		1. توجه به ذائقه مصرف‌كننده و مخاطب پيام
		2. ضرورت شناخت ويژگي‌هاي مخاطب
3. مخاطب رسانه
	1. تعريف مخاطب رسانه
		1. افراد يا گروه‌هايي از افراد
		2. انفرادي يا دسته‌جمعي
		3. دريافت پيام از رسانه
		4. خواندن يا شنيدن يا ديدن
	2. نظريه‌ها
		1. مخاطب منفعل
			1. جامعه‌پذيري
				1. الگوبرداري از رسانه براي يادگيري رفتارهاي اجتماعي
			2. وابستگي
				1. وابسته شدن مخاطب به دليل احساس نياز او به اطلاعات
			3. تزريقي
				1. تأثير سريع و فوري رسانه در مخاطب
			4. برجسته‌سازي
				1. تعيين دغدغه‌ها و موضوعات مورد توجه براي مخاطب
		2. مخاطب فعال
			1. رضامندي
				1. تلاش مخاطب براي ارضاي نيازهاي خود توسط رسانه
			2. استحكام
				1. استحكام‌بخشي پاره‌اي از باورهاي مخاطبين توسط رسانه
			3. سرسخت
				1. مقاومت مخاطب در مقابل پيام‌هاي رسانه
		3. مخاطب هوشمند
			1. كنش ارتباطي
				1. همكاري مخاطب با رسانه براي رسيدن به يك درك مشترك
			2. تئاتر زندگي
				1. پرداختن رسانه به جريان زندگي مردم ستمديده
				2. نقش داشتن مخاطب در نمايش، در قالب يك بازيگر
			3. ارتباط دوسويه همسنگ
				1. آگاهي مخاطب و محور بودن در جريان ارتباطي
		4. مخاطب فرهنگي
			1. رمزگشايي
				1. نقش اساسي مخاطب در معنابخشي به پيام رسانه، تحت شرايط خاص خود
			2. دريافت
				1. چندمعنا بودن پيام‌هاي رسانه و تفسير توسط مخاطب، متناسب با زمينه‌هاي فرهنگي‌اش
			3. مقاومت مصرف
				1. ضرورت عامه‌پسندي رسانه و هماهنگي با فرهنگ عموم مخاطبين
				2. ساخته شدن فرهنگ عمومي توسط مردم
4. قالب‌هاي برنامه‌هاي تلويزيوني
	1. دسته‌بندي اجمالي
		1. برنامه‌هاي توليدي
		2. برنامه‌هاي زنده
	2. دسته‌بندي تفصيلي
		1. مستند
		2. نمايشي
		3. پويانمايي
		4. گزارشي
		5. مسابقه
		6. سخنراني
		7. گفتگو
		8. مصاحبه
		9. جُنگ
		10. كليپ
		11. ميان‌برنامه
		12. موسيقي
	3. دسته‌بندي منتخب
		1. نمايشي
			1. تله‌تئاتر
				1. نمايش صحنه‌اي در تلويزيون
			2. سينمايي تلويزيوني
				1. فيلم سينمايي متناسب با اقتضائات تلويزيون
			3. سريال
				1. داستان بلند در قسمت‌هاي مختلف
			4. سري
				1. داستان‌هاي مجزا در قسمت‌هاي متعدد با بازيگراني يكسان
			5. نمايش كوتاه
				1. به صورت ميان‌برنامه يا در قالب جُنگ
			6. ميني‌سريال
				1. سريالي با زمان پخش طولاني‌تر و در قسمت‌هاي كمتر
			7. سپ‌اپرا
				1. داستان دنباله‌دار بدون پايان به صورت پاورقي
			8. عروسكي
				1. استفاده از عروسك به جاي انسان
			9. فتورمال
				1. استفاده از عكس در نمايش به جاي فيلم
		2. غيرنمايشي
			1. خبر
				1. خبررساني به مخاطب
			2. گفتگومحور
				1. متكي به صحبت مجري و كارشناس
				2. گفتگوي مجري با افراد مشهور در مقابل تماشاگران
				3. اقسام
				4. دونفره
				5. ميزگرد
				6. تله‌كنفرانس
				7. تركيبي
			3. مسابقه
				1. مسابقه بين تماشاگران به صورت حضوري يا تلفني
			4. مذهبي
				1. سخنراني، مداحي يا ساير مراسم مذهبي
			5. مستند تلويزيوني
				1. مطالب دقيق و بسيار تصويري
				2. با حضور مجري
				3. صحبت گوينده روي تصوير
				4. گفتگومحور
			6. پويانمايي غيرنمايشي
				1. كاربرد در برنامه‌هاي آموزشي
			7. نماهنگ
				1. تدوين تصاوير مختلف حول يك محور با يك موزيك متناسب
			8. آموزشي
				1. آموزش و تحصيل براي مخاطب
		3. تركيبي
			1. حداقل از تركيب دو ساختار متفاوت پديد آمده باشد، مثلاً: ميزگرد و نمايش
		4. زنده
			1. پخش همزمان با توليد
			2. جذب مخاطبان بيشتر
			3. تأثيرگذاري آني
			4. نشاط‌آفريني
			5. برقراري ارتباط مخاطب با رسانه
			6. سنجش ميزان استقبال از برنامه در حين پخش
			7. امكان پاسخگويي به موقع در شرايط خاص سياسي و اجتماعي
			8. كوتاه بودن مرحله توليد
			9. اطلاع‌رساني فوري
			10. هزينه كمتر نسبت به برنامه‌هاي توليدي
5. مميّزي‌هاي اسلام
	1. پرهيز از لهو و لعب
		1. لهو
			1. چيزي كه از روي هوا و سرمستي، به خوشي مشغول نمايد
		2. لعب
			1. عملي به هدف خيالي و غيرحقيقي
	2. پرهيز از غوغاسازي و سروصداي رسانه‌اي
		1. ايجاد هيجان منفي براي جذب مخاطب
		2. پرداختن بيش از اندازه به امور كم‌ارزش
	3. پرهيز از دروغ
		1. تحريف و كتمان حقايق از طريق بازنمايي رسانه‌اي
	4. پرهيز از تجسّس و عيب‌جويي
		1. وجوب حفظ حرمت افراد در امور شخصي
	5. پرهيز از طعنه
		1. اهانت و نسبت دادن امور بد، به صورت غيرمستقيم
		2. اهانت و توهين غيرظاهر
	6. پرهيز از سياه‌نمايي يا نشر اسرار حكومتي
		1. ترغيب مهمان برنامه به گفتن مطالب ناگفته
		2. جذب مخاطب از طريق بيان مطالب گفته نشده
		3. امكان سوءاستفاده دشمن از مطالب ناگفتني
		4. احتمال ترويج مفاسد در صورت طرح علني آن‌ها
	7. پرهيز از محرّك‌هاي جنسي
		1. ناز و عشوه‌گري
		2. آرايش‌هاي غيرمتعارف
	8. پرهيز از غنا و طرب
		1. از خود بي خود كننده
		2. به فسادكشاننده انسان
		3. معطوف‌كننده ذهن فرد به فرهنگ‌هاي بيگانه
	9. پرهيز از تجمّل و تفاخر
		1. مذموم بودن فخرفروشي و دنيادوستي
	10. پرهيز از تهمت
		1. متهم ساختن غيرعادلانه ديگران
		2. مسلمان يا غيرمسلمان
	11. پرهيز از اهانت و تمسخر
		1. لزوم برخورد خوب و گفتار نيكو
		2. حرمت دشنام، لعنت و طعن
	12. پرهيز از غيبت
		1. فاش كردن عيب پنهان ديگران
		2. رواج زياد آن در رسانه‌ها
6. رسانه اسلامي
	1. تقويت گرايش به نيكي‌ها و نفرت از بدي‌ها
	2. ايجاد انگيزه و روحيه فعاليت‌هاي اجتماعي
	3. خلاقيت متناسب با ذائقه فرهنگي جامعه
		1. خاستگاه خلاقيت
			1. اطلاعات ذهني
			2. تعارض
			3. افراد سالم و محيط مساعد
			4. داشته‌هاي ژنتيكي
			5. معصوميت
			6. اشتباه
			7. اتفاق
			8. دانسته‌هاي گذشته
			9. وقايع غيرمنتظره
			10. ناسازگاري
			11. نيازهاي فرآيند
			12. تغيير در صنعت
			13. تغيير در بازار
			14. تغييرات جمعيتي
			15. تغيير در ادراك
			16. تكوين دانش جديد
		2. در مقابل تفكر بسته
			1. حكومت قواعد منطقي و منظم
			2. مبتني بر اطلاعات موجود
			3. بدون هيچگونه تخطّي
			4. فرآيند و مراحل مشخص و متوالي
7. تاريخچه برنامه‌هاي گفتگومحور
	1. در جهان
		1. دوره اول
			1. شكل‌گيري ابتدايي
			2. آموزش به مخاطبان
			3. پرداختن به علايق عمومي، دين و خانه‌داري
			4. از 1948 تا 1962 ميلادي
		2. دوره دوم
			1. سيطره شبكه‌ها
			2. تسلط حاميان مالي و آژانس‌هاي تبليغاتي
			3. موقعيتي سودآور
			4. از 1962 تا 1972 ميلادي
		3. دوره سوم
			1. انفجار
			2. حجم زياد برنامه‌هاي گفتگومحور
			3. جنگ تاك‌شوها با يكديگر
			4. سودآوري روزافزون
			5. از 1972 تا 1980 ميلادي
		4. دوره چهارم
			1. پساشبكه‌اي
			2. پيدايش رقباي جديد
			3. دعوت از مردم عادي به جاي افراد مشهور
			4. از 1980 تا 1992
		5. دوره پنجم
			1. گفتگوي جفنگ
				1. Trash talk
			2. استفاده از مبالغه و بزرگ‌نمايي
			3. عجيب و غريب بودن
			4. هجو و ادبيات غيرمتعارف رسانه
			5. از 1990 به بعد
	2. در ايران
		1. نود
			1. عادل فردوسي‌پور
		2. صندلي داغ
			1. داريوش كاردان
		3. گفتگوي ويژه خبري
			1. مرتضي حيدري
		4. عبور شيشه‌اي
			1. رضا رشيدپور
		5. كوله‌پشتي
			1. فرزاد حسني
		6. سمت خدا
			1. نجم‌الدين شريعتي
		7. ماه عسل
			1. احسان عليخاني
		8. پارك ملّت
			1. محمدرضا شهيدي‌فر
		9. خندوانه
			1. رامبد جوان
		10. ويتامين 3
			1. سيدعلي ضياء
8. مؤلفه‌هاي جذّابيت برنامه‌هاي گفتگومحور
	1. تكنيك
		1. تركيب‌بندي تصوير
			1. تقارن يا عدم تقارن
				1. موضوع در وسط تصوير
				2. موضوع در يك طرف تصوير
			2. ايستايي يا پويايي
				1. تشكيل شدن تصوير از خطوط افقي يا عمودي
				2. تشكيل شدن تصوير از خطوط مورّب يا مايل به صورت پرسپكتيو
			3. نماها
				1. نماي دور

معرفي‌كننده محيط و فضاي صحنه

غالباً در شروع يك صحنه

* + - * 1. نماي كامل

جاي دادن تمام پيكر كاراكتر

مقداري فاصله از اطراف براي نچسبيدن كاراكتر به كادر

* + - * 1. نماي متوسط

سر تا كمر كاراكتر

دو نفره يا تك‌نفره

نقش انتقالي در گذر از نماي دور به نماي نزديك

* + - * 1. نماي نزديك

سينه به بالا

كاربرد بالا در تلويزيون به دليل كوچكي صفحه آن

* + - * 1. نماي خيلي نزديك

گردن به بالا

نماي درشت

* + - 1. نقاط طلايي
				1. چهار نقطه حاصل از تلاقي چهار خط فاصل يك‌سوم كادر
			2. عناصر حجمي
				1. مسلط كردن حجم‌هاي شناخته‌شده بر تركيب‌بندي

مستطيل

دايره

استوانه

مكعب

هرم

* + - * 1. دلالت‌هاي آشكار و تثبيت‌شده معنايي اين حجم‌ها بر تعادل
				2. ايجاد ثبات در صورت تعادل تصوير
				3. مواجه شدن مخاطب با برنامه‌اي با ثبات و متعادل
				4. افزايش توهم راست و واقعيت‌گويي رسانه و به دور از جانب‌داري
			1. حركت و زاويه دوربين
				1. دلالت حركت بر زنده بودن و حيات داشتن
				2. زاويه هم‌تراز چشم
				3. زاويه رو به بالا
				4. زاويه رو به پايين
		1. طراحي صحنه و دكور
			1. سازگاري با حالت و موضوع صحنه و هدف برنامه
			2. تناسب با فضاي استوديويي و بودجه برنامه
			3. وجود فضاي كافي براي آزادي عمل تجهيزات تصويربرداري
			4. عناصر كلّي دكور
			5. نقش ميز مجري
			6. پس‌زمينه دكور
		2. الگوي رنگ
			1. تأثير در نوع واكنش بيننده
			2. نوعي امضاي هنري براي برنامه
		3. پس‌زمينه تصوير
			1. پس‌زمينه خنثي
				1. فارغ از تزئينات اضافي
				2. درگير نكردن ذهن بيننده
			2. پس‌زمينه پرسپكتيو
				1. تصاوير دوبعدي تداعي‌كننده فضاي سه‌‌بعدي
			3. پس‌زمينه كروماكي
				1. حذف ديجيتالي پس‌زمينه و استفاده از تصاوير ويدئويي جايگزين
		4. آرم‌ها و نشان‌هاي روي تصوير
			1. مزاحم هدف اصلي برنامه نبودن
			2. مطابقت با طراحي كلي برنامه
		5. روايت
			1. تعليق
				1. برانگيختن كنجكاوي مخاطب با ايجاد سؤال
				2. رونمايي تدريجي موضوع بحث
				3. تدريج در دعوت مهمانان
			2. هدفمند
				1. ارائه پيامي مشخص
				2. غامض نبودن پيام
			3. عدم قضاوت
				1. قضاوت بر عهده مخاطب
				2. عدم اصرار بر تحميل پيامي بي‌پرده و رو
		6. ارتباط با مخاطب
			1. مشاركت مخاطب در اداره و اجراي برنامه
				1. مسابقات پيامكي
				2. نظرسنجي‌ها
				3. سؤالات تلفني
			2. تنوع رسانه‌هاي ارتباطي
				1. صفحه‌هاي رسمي در شبكه‌هاي اجتماعي
				2. تأسيس تارنما و سايت
			3. تطبيق ساعت پخش با نوع مخاطب
	1. مجري
		1. مهارت‌هاي ارتباطي
			1. ويژگي‌هاي بياني
			2. ارتباط غيركلامي
				1. اشارات صورت و چهره
				2. تأكيدات صوتي
				3. حركت دست
			3. خوش‌لباسي
			4. عدم تكلّف در كلام
				1. روان بودن كلام
				2. مهارت در سخنگويي
				3. سخنگويي به عنوان نماينده مردم
				4. عدم استفاده از كلمات نامفهوم و نامأنوس
				5. سخن مبتني بر نيازهاي مردم
			5. عدم تكيه كلام
				1. تكرار نكردن پيوسته يك عبارت يا كلمه
			6. تغيير لحن كلام
				1. هماهنگي تن صدا با هر بخش از برنامه
			7. رساندن سريع پيام
				1. صرف نظر كردن مخاطب از تماشاي برنامه در صورت نفهميدن منظور مجري
				2. هدر رفتن هزينه‌هاي توليد و پخش
			8. نفوذ كلام
				1. تحت تأثير قرار دادن مخاطبين
				2. انتخاب كلمه
				3. لحن
				4. زبان بدن
				5. نوع جنس صدا
				6. بالا يا پايين بودن تن صدا
				7. محتواي كلام
			9. گنجينه وسيع واژگان
				1. حضور ذهن بالا در گزينش كلمات
				2. مطالعه زياد
			10. مهارت خوب گوش دادن
				1. سكوت
				2. دقت
				3. نمايش بازخورد
			11. آگاهي بالا
				1. داشتن اطلاعات تخصصي درباره موضوع برنامه
				2. پرهيز از خودنمايي با اطلاعات تخصصي
		2. ويژگي‌هاي اخلاقي
			1. صداقت
				1. تناسب گفتار مجري با رفتار او در خارج از قاب تلويزيون
			2. توانايي سكوت
				1. صرف نظر از بيان مطالبي كه در لحظه به ذهن مي‌آيد
			3. اميدبخشي
				1. استفاده از كلمات با بار معنايي مثبت
			4. رفق و مدارا
				1. تحمل تفاوت‌ها و تمركز روي نقاط مشترك
				2. سعي بر رفتار شبيه به طرف مقابل
			5. تواضع و احترام
				1. عدم بي‌احترامي به مهمان
			6. صراحت و جسارت
				1. يكي از عوامل مهم محبوبيت
				2. دليل متمايز شدن برنامه از ساير برنامه‌ها
			7. عدم ورود به حريم خصوصي
				1. اصرار نكردن به مهمان براي گفتن مسائل شخصي خود
			8. لبخند و شوخي
				1. سبب عامه‌پسند شدن برنامه
				2. رعايت حدود اسلامي در شوخي
			9. پرهيز از پريدن وسط حرف مهمان
	2. موضوع
		1. پرداختن به مسائل انقلاب اسلامي
		2. تناسب موضوع با نيازهاي روز مردم
		3. هماهنگي موضوع با مخاطب هدف
	3. ميهمان
		1. دقت در انتخاب ميهمان
		2. مورد تأييد حاكميت تلقي شدن ميهمان با حضور در برنامه
		3. از جنس مردم بودن
		4. ظاهر مناسب
		5. داشتن داستاني براي تعريف كردن